

سلام بر مسیح‌های مصلوب تابستان شصت و هفت فقاقت



☀ **سرسخن** - همبستگی مردم ایران در برابر جنگ ۱۲ روزه

☀ **۱۰۶** دموکراسی و آزادی

☀ **سرمقاله** - بحران معیشت جامعه ایران

☀ **۲۷** تفسیر سوره شوری

☀ **سخن روز** - قطعی‌های پیاپی آب و برق نماد عریانی از تعرض

☀ **۲۸** فهم و شناخت تطبیقی نهج‌البلاغه

همبستگی مردم ایران در برابر جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا و

«ایستادگی آن‌ها در عین رنجیدگی‌های عمیقی که دارند»،

اینک از طرف نیروهای مردمی در ازای پاسداری از مردم،

سخن از حق تعیین سرنوشت مردم،

توسط خود مردم مطرح می‌کنند

یعنی گروه‌هایی که در سال ۷۶ تحت عنوان جبهه اصلاح‌طلبان با گرایش‌های مختلف ولی تحت رهبری واحد سید محمد خاتمی در داخل کشور شکل گرفتند، به گفتگو پرداخت و اعلام کرد که «ما امروز حتی آمادگی داریم بر مبنای وحدت هر چه بیشتر با اپوزیسیون نیز گفتگو کنیم چرا که حل مسائل کشور نیازمند گفتگو است» و در همین جلسه بود که مسعود پزشکیان گفت: «امروز حتی آمادگی داریم بر مبنای انصاف و عدالت با اپوزیسیون نیز گفتگو کنیم چرا که حل مسائل کشور نیازمند گفتگو است، نه تقابل است.»

عنایت داشته باشیم که طرح‌ترم

جنگ ۱۲ روزه رژیم جنگ‌طلب و اشغال‌گر صهیونیست‌های اسرائیل و امپریالیسم آمریکا علیه میهن ما ایران در شرایطی انجام گرفت که از یک طرف مردم ایران با «همبستگی در برابر دشمن متجاوز خارجی، یک بار دیگر مانند گذشته عیار خود را به نیکی محک زدند». این در حالی است که اپوزیسیون برانداز راست خارج‌نشین که در رأس آن‌ها سلطنت‌طلبان تحت رهبری رضا پهلوی، در طول ۱۲ روز جنگ، «پرچم اسرائیل را در حمایت از آن رژیم نژادپرست بر دوش می‌کشند به این امید که شاید مانند پدرش و جدش رضاخان میرپنج بتواند توسط حمایت امپریالیسم و صهیونیسم به قدرت بادآورده برسد و رژیم کودتائی پهلوی که با انقلاب عظیم توده‌ای و ضد استبدادی ۵۷ سرنگون شده بود، بازتولید نماید» و در «میان اپوزیسیون داخلی، میر حسین موسوی بیانیه جدیدی در این رابطه در خرداد ۱۴۰۴ صادر کرد که البته بعداً مهدی کروبی هم از بیانیه او حمایت کرد.»

قابل توجه است که پزشکیان روز سه‌شنبه ۳۱ تیر ماه ۱۴۰۴ در دیدار با سیاستمداران جبهه اصلاح‌طلب

«پوزیسیون» برای جریان‌های اصلاح‌طلب داخل کشور، توسط یک رئیس جمهور رژیم مطلقه فقهاتی برای اولین بار است که مطرح می‌گردد. مع الوصف، در این رابطه بود که روزنامه هم میهن که متعلق به غلامحسین کرباسچی (شهردار پیشین تهران) است، در روز اول مردادماه یعنی فردای جلسه گفتگو در سرمقاله‌ای با استقبال از این اظهارات مسعود پزشکیان نوشت: «کمتر سابقه داشته که لفظ اپوزیسیون را از زبان رسمی بشنویم.»

باری، در خصوص آخرین بیانیه میر حسین موسوی که او در اواخر خردادماه ۱۴۰۴ یعنی پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران مطرح کرد و از این بابت او در این بیانیه می‌نویسد: «در جریان جنایات اسرائیل و آمریکا علیه میهن عزیزمان یک بار دیگر عیار مردم ایران محک خورد و امتیازاتی بر امتیازات کارنامه تاریخی‌شان افزوده شد. و این فقط به خاطر همبستگی آنان در برابر دشمن که به واسطه ایستادگی آن‌ها در عین رنجیدگی‌های عمیق بود. در حالی که فرزندان نظامی ملت شهید یا غافلگیر شده بودند، دوراندیشی ستودنی مردم، نقشه‌های شوم متجاوزان را ناکام گذاشت. اینک پس از سپری شدن آن روزهای هولناک خواهد بود اگر کسانی با رؤیاپردازی واکنش جامعه را تائیدی بر شیوه حکمرانی یا بر شیوه حکمرانی ناکارآمدشان بپندارند یا جلوه دهند. چینی اشتباهی ملت را دلسرد و بیگانه را امیدوار خواهد کرد. که شاید بار بعد بتواند خدای ناکرده در سپری که او را

ناکام گذاشت، رخنه‌ای بیاید.»

علی‌ایحال برای فهم جوهر آخرین بیانیه میر حسین موسوی، تنها باید در مقایسه با دو بیانیه اول و دوم او به فهم جوهر بیانیه سال ۱۴۰۴ دست پیدا کرد زیرا در بیانیه اول او که در خرداد ۱۳۸۸ با تکوین جنبش سبز، با شعار «اجرای بی‌تنازل قانون اساسی» مطرح شده بود برای تبیین شعار اجرای بدون تنازل قانون اساسی، عنایت داشته باشیم که:

اولاً به فرض محال اگر رژیم مطلقه فقهاتی تحت فشار جریان‌های منادی این شعار، زمانی این شعار اجرای بدون تنازل قانون اساسی بخواهد به اجرا درآورد، همراه این قانون اساسی متمم سال ۱۳۶۷ قانون اساسی هم باید اجرا شود. لذا در آن صورت اگر متمم قانون اساسی بپذیریم که همراه قانون اساسی اولیه سال ۱۳۵۸ اجرا بشود محصول نهایی اجرای این بدون تغییر همین رژیم مطلقه فقهاتی خواهد شد.

ثانیاً حتی اگر قانون اساسی سال ۱۳۵۸ هم بدون متمم آن قبول بکنند که اجرا شود، مهم‌ترین اصل همان قانون اساسی اول، «اصل ولایت فقیه» می‌شود.

یادمان باشد که در قانون اساسی اول، بخشی از وظایف ولی فقیه در چارچوب اصل ۱۱۰ قانون اساسی مطرح شده است. وظایف و اختیارات رهبر در اصل ۱۱۰ قانون اساسی عبارتند از:

۱ - تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی پس از مشورت با مجتمع تشخیص مصلحت نظام.

۲ - نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

۳ - فرمان همه پرسی یا رفراندوم.

۴ - فرماندهی کل نیروهای مسلح.

۵ - اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶ - نصب و عزل و قبول استعفا:

الف - فقهای شورای نگهبان

ب - عالی‌ترین مقام قوه قضائیه

ج - رئیس سازمان صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران

د - رئیس ستاد مشترک

ه - فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

و - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

۷ - حل اختلاف و تنظیم روابط سه گانه.

۸ - حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۹ - امضاء حکم ریاست جمهور پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایط که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای

نگهبان و در دور اول به تأیید رهبری برسد.

۱۰ - عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی با رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد نهم.

۱۱ - عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه. رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

ماحصل اینکه بیانیه اول میر حسین موسوی که بر پایه اصل «اجرای بی تنازل قانون اساسی بود»، مهم‌ترین مشخصه آن اینکه مانند اصلاحات سید محمد خاتمی، «اصلاحات از درون خود نظام بود، نه از بیرون نظام.»

اما بیانیه دوم میر حسین موسوی که در ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۱ یعنی پس از افول ابر خیزش ملی پائیز توسط سرکوب هولناک آن ابر خیزش ملی صورت گردید و در شرایطی که گرمی آتشین آن تنور هنوز ادامه داشت، او با تجدید نظر در بیانیه اولش و اصل اجرای بی تنازل قانون اساسی، در بیانیه دوم «کل حاکمیت را به چالش کشید و جایگاه اصلاح‌طلبان درون حکومت بیانیه اول بدل به اپوزیسیون شد و از خارج نظام قانون اساسی و حاکمیت را به چالش کشید.»

اما در بیانیه سوم، میر حسین موسوی که

است که اگر جامعه در مدت ۲۱ سال (بین ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱) راکت می‌ماند و هیچگونه حرکت رادیکالیزه‌ای پیدا نمی‌کرد، تحول شعارها هم ثابت می‌ماند. شاید بهتر باشد که بگوئیم که اصل حرکت انطباقی بوده نه تطبیقی.

فراموش نکنیم که جنبش پیشگامان مستضعفین ایران، در حیات ۴۹ ساله درونی و بیرونی چه در فاز عمودی یا سازمانی آرمان مستضعفین ایران و چه در فاز افقی بیش از ۱۵ ساله گذشته پیوسته بر مبنای حرکت پیشگامی نه پیشاهنگی و نه پیشروی حرکت کرده‌ایم و پیوسته و علی‌الدوام بر این باور بوده‌ایم، «تنها تکیه جنبش پیشگامان مستضعفین ایران تکیه بر توده‌ها و حرکت‌های خودجوش و خودسازمانده و رهبری دینامیک تکوین یافته از پائین بوده و هست».

پایان

بعد از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا با ایران پس از تمجید از مردم با شعار «فراندوم نظام از کل توسط مردم باید بازسازی شود» البته آنچنانکه فوقاً هم مطرح کردیم، مشکلی اساسی سه بیانیه میرحسین این است که «در هر سه بیانیه، او تلاش می‌کند حرکت مکانیکی از بالا و تحت رهبری خودش و امثال خودش از بالا انجام بگیرد، نه از پائین جامعه یا حرکت خودجوش و خودسازمانده و با رهبری دینامیک تکوین یافته از پائین».

این حرکت میر حسین اگر «بتواند مانند جنبش سبز سال ۸۸، نیروهای روشنفکر جامعه را جذب نماید ولی هرگز نمی‌تواند یک حرکت دینامیکی ریشه‌ای در جامعه ایران حتی در حد انقلاب ۵۷ را صاحب بشود و شرایط برای زایش بعدی هرگونه آفتی فراهم سازد». البته اگر رفراندومی که در بیانیه سوم میرحسین موسوی بتواند از پائین به صورت دینامیک تکوین پیدا کنند و بالائی‌ها در راستای نتیجه رفراندوم حرکت کنید، شرایط فرق می‌کند.

موضوع مهم دیگری که از مقایسه شعار اجرای بدون تنازل قانون اساسی (بیانیه سال ۸۸ میرحسین موسوی) تا بیانیه سوم او که «اجرای رفراندوم قانون و شکل رژیم» نشان دهنده این است که حرکت و تحول او تابع حرکت جامعه می‌باشد یعنی به مرور زمان حرکت او از جنبش سبز تا ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱ یا رادیکال شدن مبارزه توده‌ها تغییر کرده است. معنای دیگر این حرف آن

بحران معیشت جامعه ایران، باعث می‌گردد که این کشور در آستانه شرایط جدیدی قرار بگیرد

رژیم می‌گوید: «ایران در حال حاضر مثل یک آتشفشان خاموش است که هر جرقه‌ای می‌تواند به انفجار بدل شود. الان وقت آن است که مسئولان با تمام قوا به سمت این بروند که رضایت مردم را کسب کنند و اگر چنین نکنند، متأسفانه چیز خوشایندی در انتظار ما نخواهد بود.»

گزارش تازه‌ای که رسانه‌ها از محاسبه مرکز آمار ایران در باره قیمت کالاهای اساسی در یک سال گذشته منتشر کرده‌اند، حاکی از افزایش شدید قیمت‌ها است. بر اساس این آمار قیمت برنج ایرانی در اردیبهشت سال ۱۴۰۴، نسبت به اردیبهشت ۱۴۰۳، ۶۴ درصد، برنج خارجی ۳۵ درصد گران‌تر شده است. همچنین کره پاستوریزه ۸ درصد پنی‌ر پاستوریزه ۳۲/۱ درصد، ماست پاستوریزه ۴۷ درصد، شیر خشک ۵۲/۵ درصد افزایش داشته، گوشت

دنیای اقتصاد (۱۱ تیرماه ۱۴۰۴) در گزارشی با عنوان ضربان خوراکی در سایه جنگ نوشت: «در خرداد ۱۴۰۴ تورم نقطه به نقطه ۵ کالا ۳ رقمی بوده که ۴ قلم از آن‌ها حبوبات می‌باشند. شتاب گرفتن حبوبات به عنوان عنصر اصلی تأمین پروتئین در سه دهک نخست درآمدی از اهمیت بالایی برخوردار است، در ماه گذشته تورم نقطه به نقطه، لوبیا چیتی ۲۱۳ درصد، لپه ۱۲۵/۵ درصد، لوبیای قرمز ۱۱۱/۴ درصد ثبت شده است.»

بر اساس گزارش مرکز آمار رژیم مطلقه فقاهتی که بخش از واقعیت بحران را منعکس می‌کند، «تورم نقطه و نقطه خانوار کشور در خرداد ماه ۱۴۰۴، ۳۹/۴ درصد بوده است» به عبارتی دیگر «خانوارهای ایرانی به طور میانگین ۳۹/۴ درصد بیشتر از خرداد سال قبل برای خرید سبد کالا و خدمات یکسان هزینه کرده است.»

در آستانه وقوع جنگ اسرائیل و آمریکا به ایران در ۱۸ خرداد، جهان صنعت نوشت: «در چنین شرایطی سکوت یا تعلل در اصلاحات ساختاری می‌تواند پیامدهایی فراتر از سفرهای خالی داشته باشد، پیامدهایی که از سلامت و تغذیه مردم فراتر می‌روند و به مسائل اجتماعی و حتی سیاسی گره می‌خورد. تداوم این روند کشور را در مسیر افزایش آسیب‌پذیری‌های اجتماعی قرار می‌دهد، جایی که دیگر تورم فقط یک شاخص اقتصادی نیست بلکه به چهره عریان بحران بدل می‌شود.»

دیدارنیوز ۹ تیرماه ۱۴۰۴ می‌گوید، سلحشور عضو مجلس

گوسفند حدود ۲ درصد و مرغ ۱۱/۸ درصد گران‌تر شده است. در میان میوه‌ها سیب و موز حدود ۹۰ درصد، پرتغال داخلی ۷۲ درصد، خربزه ۵۴/۹ درصد، لیموترش ۱۶۶/۴ درصد جهش قیمتی داشته‌اند.

داده‌های مرکز آمار همچنین نشان می‌دهد که در یک سال گذشته روغن مایع ۲۱/۶ درصد، روغن نباتی جامد ۲۵/۲ درصد، ماکارونی ۲۶/۳ درصد گران‌تر شده‌اند. پیش از این در گزارش اردیبهشت مرکز آمار رژیم آمده بود که در یک سال گذشته میوه بیشترین رشد قیمت را تجربه کرده و در یک سال ۱۳۹ درصد رشد کرده است. همچنین لوبیا چیتی نسبت به سال گذشته با ۲۰۲ درصد رشد بیشترین افزایش قیمت است. از ابتدای سال تا کنون رکورد بیشترین رشد قیمت مربوط به لیموترش است. این در حالی است که به گفته مرکز آمار نرخ تورم نقطه به نقطه کل کشور در اردیبهشت به ۳۸/۸ درصد رسید و این با نگاهی به اطلاعات مربوط به قیمت اقلام خوراکی گویای واقعیت موجود نیست و دستکم ۲۱ نوع کالا میزان رشد قیمت‌شان بیش از تورم نقطه به نقطه کل کشور بوده است. در یک سال گذشته پس از میوه، حبوبات رکورد بیشترین رشد قیمت مربوط به سبزی و صیفی‌جات است که از اردیبهشت پارسال تا کنون ۶۳ درصد افزایش قیمت داشته است. برنج و ماکارونی رشد ۵۵ درصدی و قند و شکر ۴۹ درصد افزایش داشته‌اند.

باری در خصوص نانویان سه شنبه ۲۰ خرداد، محمد سلیمانی رئیس اتحادیه نانویان سنگگی از افزایش «قیمت در نانویان نان‌های آزادپز خبر داد» و گفت: «موضوع افزایش قیمت سایر نان‌ها هنوز در حال بررسی است.»

روزنامه شرق در گزارشی از بازار گوشت، قیمت‌های انواع گوشت قرمز را منتشر کرد. بر اساس این گزارش قیمت یک کیلو گرم راسته گوسفندی با استخوان ۷۷۵ هزار تومان، شقه گوسفندی ۷۵۹ هزار تومان، خورشتی گوسفندی یک میلیون و ۵۲۶ هزار تومان، ران گوسفندی یک میلیون و ۵۲۶ هزار تومان، ران گوسفند یک میلیون و ۱۳۰ هزار تومان، ران گوساله ۷۲۸ هزار تومان، ماهیچه گوساله ۷۰۰ هزار تومان، خورشتی گوساله ۸۷۸ هزار تومان و سردستی گوساله ۶۵۹ هزار تومان است، ران گوساله ۷۲۸ هزار تومان، ماهیچه گوساله ۷۰۰ هزار تومان، خورشتی گوساله ۸۷۸ هزار تومان و سر دست گوساله ۶۵۹ هزار تومان است. این ارقام رسمی نشان می‌دهد که «بحران معیشت در ایران جدی است و بی‌داد می‌کند. تورم و گرانی روز به روز افزایش می‌یابد و کمر کارگران و معلمان و کارمندان را می‌شکند.»

خبرگزاری کارگری ایران (ایلنا) اسفند گذشته در گزارشی از گسترش خرید قسطی در میان مردم ایران خبر داده و نوشته بود، «طبقات محروم و کم درآمد حتی هویج و سیب را هم دانه‌ای و قسطی می‌خرند» در چنین شرایطی شورای عالی کار ۲۶ اسفند گذشته حداقل

دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۴ را ۴۵ درصد بیشتر کرد و به ۱۰ میلیون و ۳۹۹ هزار تومان افزایش داد. وضعیت کنونی کارگران چنان ناگوار است که «حتی رسانه‌های حکومتی به سقوط بیش از ۴۰۰ درصدی دستمزد کارگران تنها در ۱۰ میلیون و ۳۹۹ هزار تومان افزایش داد». وضعیت کنونی چنان ناگوار است که حتی رسانه‌های حکومتی به سقوط بیش از ۴۰۰ درصدی دستمزد کارگران تنها در مدت ۱۰ سال اعتراف کرده و از آن به عنوان «پدیده‌ای بی‌سابقه و بس ناگوار» که کارگران را به قعر مطلق سوق داده، یاد می‌کند.

در سال‌های اخیر شکاف تورم اقلام خوراکی و نرخ تورم کلی، از موضوعات چالشی و مشکل آفرین اقتصاد بوده است. در برخی سال‌ها این شکاف فزاینده و بیشتر و شتاب قیمت کالاهای خوراکی که عمده‌تاً سبد اصلی مصرف کارگران را تشکیل می‌دهد، نسبت به کالاهای غیرخوراکی که عمده‌تاً توسط دهک بالا و ثروتمندان مصرف می‌شود، رشد جهشی داشته است. کارشناسان درباره این شکاف، دلایل متفاوتی را بر شمرده‌اند. بالا بودن نرخ مصرف و تقاضای کالاهای خوراکی با توجه به جمعیت بالای مصرف کننده، حذف ارز نیمائی و ارز ۴۲۰۰ تومانی که کالاهای اساسی (عمده‌تاً دارو و خوراکی) را پوشش می‌داد، کشش متفاوت کالاهای خوراکی به نسبت اقلام غیرخوراکی و البته دفاع از همه گیر بودن تورم برای همه دهک، از جمله این دلایل است.

در آبان سال ۱۴۰۰ که در واقع دوران پایان پاندمی کرونا و ورود موجی از رونق نسبی در اقتصاد کشور بود، نرخ تورم سالانه گروه خوراکی‌ها در این ماه ۶۰ درصد، گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات ۳۷ درصد بود اما نرخ تورم کلی آن ماه طبق آمار مرکز آمار رژیم به ۴۵ درصد رسید. در آبان ماه ۱۴۰۱ که با افزایش تورم نسبت به ماه مشابه سال قبل مواجه بودیم، تورم در حوزه اقلام خوراکی به ۶۳/۴ درصد تورم، اقلام غیرخوراکی به ۲۴ درصد رسید که این اعداد حاکی از افزایش شکاف است. این در حالی است که نرخ تورم کلی در آبان ۱۴۰۱ حدود ۶۴ درصد بوده است.

در آبان ماه سال ۱۴۰۲ تورم خوراکی ۵۲ درصد و تورم غیرخوراکی ۴۱ درصد ثبت شد اما نرخ تورم کلی به مرز ۴۵ درصد رسید که نشان از کاهش شکاف نرخ تورم داشت.

در آبان سال ۱۴۰۳ نیز نرخ تورم عمومی در کل به ۳۲ درصد رسید اما نرخ تورم اقلام غیرخوراکی ۲۶ درصد و اقلام خوراکی در برابر درصد اقلام خوراکی به ۲۸ درصد رسید که نشان برابری نسبی نرخ تورم خوراکی و غیرخوراکی در بیشتر ماه‌های این سال بوده است.

در خصوص تورم دارو، لازم است که عنایت داشته باشیم که «کمبود دارو در ایران امری چند ساله است و به تداوم تحریم‌های اقتصادی گره خوره است. یک مقام صنفی

برنامه وزارت بهداشت را حذف ارز ترجیحی چند داروی دیگر اعلام کرد و با اجرای این سیاست دارو باز هم گران خواهد شد» به گزارش رادیو زمانه، مجتبی بوروبور نایب رئیس اتحادیه وارد کنندگان دارو، به روزنامه شرق گفت: «وزارت بهداشت به دلیل کمبود منابع در تلاش است برخی اقلام دارویی را از ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی به ارز آزاد منتقل کند. این مسئله بر افزایش قیمت دارو تأثیر دارد» به گفته او «قیمت دارو به دلیل تورم، تحریم‌ها و نرخ ارز قطعاً افزایش خواهد یافت».

بوروبور در حالی افزایش قیمت دارو را قطعی دانست که کیانوش جهان پور سخنگوی پیشین وزارت بهداشت و درمان در یک یادداشت نوشت: «در حالی افزایش قیمت دارو را قطعی دانست که در سال‌های اخیر یعنی از سال ۱۳۹۷ به بعد شاهد کاهش شدید و مستمر ارزش پول تورم بالای اقتصاد ایران بودیم. تورم سالانه در سال ۱۴۰۳، به بیش از ۴۰ درصد رسید و این روند در سال ۱۴۰۴ ادامه دارد» شروع حذف ارز ترجیحی از سال ۱۴۰۱ و ادامه این سیاست باعث شد که هزینه تولید و واردات دارو و تجهیزات پزشکی به شدت افزایش داشته باشد. گزارش‌ها نشان می‌دهد، قیمت برخی داروها لاجرم تا ۷۰۰ درصد رشد کرده است. او رشد ۷۰۰ درصدی قیمت دارو در سال‌های اخیر را «منطق سازی نسبی قیمت‌ها توصیف کرد» و وضعیت کنونی را متأثر از تحریم‌های اقتصادی دانست. به

گفته جهان پور تحریم‌ها با کاهش درآمدهای نفتی و ایجاد محدودیت‌های بانکی و مبادلات بین‌المللی، توانایی دولت و بانک مرکزی و مبادلات بین‌المللی، توانایی دولت و بانک مرکزی و شرکت‌ها برای تأمین منابع مالی اعم از ریالی و ارزی، بخش سلامت را کاهش داده است. همچنین بانک‌ها و شرکت‌ها خارجی به دلیل نگرانی از نقض تحریم‌ها، اغلب همکاری با ایران را محدود کرده‌اند.

باری اگرچه نان در طول دهه گذشته سالانه دو سه بار افزایش داشته، در سال جاری تاکنون دو سه بار افزایش پیدا کرده‌اند و در سال جاری نان هم یعنی قوت لایموت مردم ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است و باز در این شرایط نانویان هم در عین حال نسبت به مشکلات حوزه کاری خودشان به رژیم مطلقه فقهاتی معترض هستند و دست به اعتراض جمعی گذاشته‌اند. نانویان این بار تحت نام «عدالت یعنی نان سر سفره مردم، نه سرکوب صدای معیشت» که در آغاز این اعتراض آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی انتشار داده‌اند ولی در مرحله جدید، در ادامه به اعتراض سراسری کامیونداران خواهان تجمع سراسری اعتراض مقابل فرمانداری و استانداری شهرها شده‌اند. مشکلات اعلام شده توسط نانویان عبارت است از «چند برابر شدن هزینه اجاره مغازه، بالا رفتن بیمه کارگران، گران شدن نرخ برق و سوخت و آب و هزینه پرسنلی می‌باشد».

رژیم مطلقه فقهاتی، نه تنها به رفع مشکلات این صنف که صدها هزار نفر کارگران در آن

نمی‌آیند.

شرایط فلاکت بار زندگی کارگران خباز در حالی است که اگر آنان تنها یک روز کار نکنند، چرخ جامعه از کار خواهد افتاد. با وجود آن تا زمانی که کارگران در تشکلهای و تکوین یافته از پائین و رهبری تکوین یافته از پائین سازماندهی نشود و دست به مبارزه دینامیک نزنند «آش همان آش است، کاسه همان کاسه»، تفاوت رویکرد به سازماندهی کارگران ایران از نگاه گروه‌های کمونیستی خارج‌نشین با رویکرد جنبش پیشگامان مستضعفین ایران در ۴۸ سال گذشته حرکت درونی و بیرونی چه در فاز عمودی آرمان مستضعفین و چه در فاز افقی یا جنبشی نشر مستضعفین ایران، در این است که در رویکرد مارکسیست‌ها بدون استثنا بر سازماندهی کارگران از بالا توسط حزب کمونیست‌ها به هر نامی که باشند، تکیه دارند اما در جنبش پیشگامان مستضعفین ایران، بر سازماندهی دینامیک تکوین یافته از پائین به صورت خودجوش تکیه دارند.» ●

پایان

مشغول کار طاقت فرسا هستند، پرداخته است از پرداخت به موقع یارانه‌های آنلاین نان خودداری کرده و متغیر بودن قیمت آرد و کاهش سهمیه آن بر بار آنان افزوده است. پرداخت به موقع یارانه‌ها از دیگر خواسته‌های نانوایان است. دستگاه‌ها ذیربط در کشور ایران بیش از ۸۲ هزار واحد تولید نان وجود دارد. یعنی صدها هزار کارگر نانوایی هر روزه از نصف شب تا ظهر و شب با کمترین امکانات و دمای گرمای سوزان آن به کار مشغولند، بنا به اعتراف مسئول اتحادیه نانوایان، کارگران نانوایی‌ها با دستمزد ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان کار می‌کنند. این دستمزد ناچیز که حیات پنج مرتبه زیر خط فقر است، در مقابل ده ساعت کار در شرایط طاقت فرسا و بدون پرداخت حق بیمه از جانب صاحبان نانوایی‌ها به کارگران پرداخت می‌شود، حق بیمه کارگران از جانب صاحب نانوایی‌ها به کارگران پرداخت می‌شود. مطابق قوانین ضد کارگری سازمان تأمین اجتماعی رژیم در نانوایی‌ها، تنها شغل شاطر جز مشاغل سخت به حساب می‌آید، بقیه کارگران خباز که بیشتر در معرض بیماری و آسیب‌های این شغل هستند جزو مشاغل سخت به حساب

وب سایت:

www.pm-iran.org

www.nashr-mostazafin.com

ایمیل آدرس تماس:

Info@nashr-mostazafin.com

قطعی‌های پیاپی آب و برق نماد عریانی از تعرض رژیم مطلقه فقه‌ای به ابتدایی‌ترین نیاز مردم ایران

کمبود برق نسبت داد. آنچه امروز صنعت ایران با آن مواجه است، بحران مدیریت انرژی و ناترازی برنامه‌ریزی است که نیازمند تجدید نظر فوری در سیاست‌گذاری‌ها است. اگر این روند ادامه یابد، باید انتظار داشت بخش قابل توجهی از ظرفیت صنعتی کشور برای مدتی نامعلوم از مدار خارج می‌شود و تبعات آن در همه سطوح اقتصادی احساس می‌شود.

مهدی بستانچی رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی برق صنایع می‌گوید: «واقعیت این است که ما با یک قطعی برق گسترده در شهرک‌های صنعتی مواجه هستیم. اتفاقی که افتاده این است که قطعی برق صنایع در شهرک‌ها با یک روز در هفته آغاز شد و بعد به دو و سه روز افزایش پیدا

قطعی‌های پیاپی برق و آب تنها خاموشی برق و قطع آب نیست، «این خاموش شامل نان مردم، خاموشی دارو و درمان، خاموشی آموزش فرزندان و چرخ زندگی توده‌های میلیونی کارگران هم می‌شود». در برابر این وضعیت جهنمی امروز نانوایان، زنان و مردان تهیدست در نقاط مختلف کشور هر روزه به خیابان‌ها می‌آیند و اعتراض و اعتصاب خود را فریاد می‌زنند. دولت پزشک‌یان در پاسخگوئی به ابتدائی‌ترین نیازهای معیشتی روزانه مردم نظیر آب و برق، نان، دارو و درمان عملاً کابینه پزشک‌یان را به هذیان‌گویی و تشدید بحران در میان بالائی‌ها کشانده است. اعلام نظر پاره‌ای از نمایندگان مجلس ارتجاع مبنی بر استضیاح پزشک‌یان و به طریق اولی، با تشدید تضاد در بالا و تعمیق بحران سیاسی و اقتصادی در درون جناح‌های مختلف هیئت حاکمه می‌توان دید.

شهرک‌های صنعتی ایران با موج گسترده‌ای از خاموشی‌های برنامه‌ریزی مواجه شده‌اند، خاموشی‌هایی که بیش از آنکه مقطعی باشند، به یک الگوی تکرار شونده و مزمن بدل شده‌اند. این وضعیت نه تنها ظرفیت‌های تولیدی کشور را تهدید می‌کند بلکه اثرات بلندمدتی بر زنجیره تأمین، اشتغال درآمدهای مالیاتی و بیمه‌ای و حتی توان صادراتی خواهد شد. به گزارش اقتصاد ۲۴، با توجه به تکرار خاموشی در فصل‌های مختلف، سال دیگر نمی‌توان آن را صرفاً به تابستان یا

کرد، حتی در برخی مواقع ۴ روز هم اتفاق افتاده است». وی در باره اثر قطعی برق بر کاهش تولید بیان کرد: «بخش قابل توجهی از ظرفیت تولیدی صنایع ما به دلیل قطعی برق از بین می‌رود. بر اساس آمارهای سال گذشته در حوزه صنایع حدود ۳۰ درصد ظرفیت تولیدمان به دلیل قطعی برق کاهش پیدا کرده است. اگر در واحدهای صنعتی برق یک یا دو روز در هفته قطع شود، برآورد می‌کنیم که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد ظرفیت واقعی تولید ما از بین می‌رود. در صنایع بزرگ میانگین خسارت روزانه صدها میلیارد تومان و در صنایع کوچک ماهانه به ده‌ها میلیارد تومان می‌رسد.»

این فعال بخش صنعتی درباره اختلال زنجیره‌ای تأمین ناشی از قطع برق بیان کرد: «اثر دیگر قطعی برق بر زنجیر تأمین افزایش قیمت نهایی است. قطع برق در چند روز هفته، منجر به بی‌ثباتی در کل زنجیره تأمین می‌شود به عنوان مثال کارخانه‌ای که قطعات را با تأخیر از تأمین کننده دریافت می‌کند، تولید خود را نیز با تأخیر انجام می‌دهد. این وضعیت باعث افزایش قیمت تمام شده محصولات بین ۱۰ تا ۲۰ درصدی و یا اعدادی به مراتب بیشتر در برخی رشته‌های صنعتی شده است». بستانچی همچنین درباره تبلیغاتی که قطعی برق صنایع بر نیروی انسانی دارد، گفت: «زمانی که ۳۰ تا ۴۰ درصد

تولید را کاهش می‌دهیم، برخی واحدها به طور موقت یا دایم نیروی انسانی را تعدیل می‌کنند. برآوردها مختلف است ولی با قطعی برق بیش از ۲۰۰ هزار شغل صنعتی در معرض خطر قرار می‌گیرند و هر هفته یک سوم فرصت اقتصادی و اشتغال پایداری کشور دارد از بین می‌رود.»

رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی در پاسخ به اینکه تداوم این وضعیت، صنعت و اقتصاد کشور را به چه نقطه‌ای می‌رساند؟ گفت: «تداوم این وضعیت یعنی ادامه دار بودن قطعی برق و بی‌ثباتی در زیرساخت‌های انرژی، تنها یک مشکل فنی یا موقتی نیست بلکه تبعات گسترده‌ای برای اقتصاد کشور دارد. به طور مشخص اگر این روند ادامه یابد، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی با کاهش قابل توجهی مواجه خواهد شد. برآوردها نشان می‌دهد که این سهم می‌تواند تا ۱۵ درصد کاهش یابد». و ادامه داد: «باید دقت کنیم که از مجموع تولید ناخالص داخلی کشور سهم صنایع غیرنفتی حدود ۶۸ میلیارد دلار بوده است. کاهش ۱۵ درصدی این سهم، به معنای از دست رفتن بیش از ۱۰ میلیارد از ارزش افزوده صنعتی کشور است. این معادل از بین رفتن هزاران شغل، ده‌ها هزار میلیارد تومان مالیات، بیمه، صادرات و چرخه نقدینگی، زنجیره تأمین تقاضاست.»

پزشکیان در دیدار با فعالان اقتصادی در

خوزستان که در اوایل مردادماه صورت گرفت در مورد بحران آب و برق و انرژی گفت: «ناترازی‌ها را کابینه فعلی به وجود نیاورده، وارثش بوده‌ایم» و گفت: «اما حل خواهیم کرد و نمی‌گذاریم برای زمان طولانی این روند ادامه پیدا کند» و همچنین ادامه داد «راه حل فعلی برای جلوگیری از تداوم قطع آب تهران و ممانعت از به درازا کشیدن تعطیلی پایتخت، صرفه جویی در مصرف آب و نقره داغ کردن مشترکان پر مصرف آب در تهران است». راه حل مشعش بلندمدت او و کابینه‌اش نیز پیشنهاد «خروج مردم از تهران به سمت شمال و انتقال پایتخت به شهری دیگر همراه با چاشنی وعده انجام پروژه لوله کشی آب طالقان به تهران و کرج است».

در اوایل مردادماه ۱۴۰۴ مردم یزد با امضاء طوماری خواستار استضیاح پزشکیان در مجلس شدند. روز چهارشنبه ۱۵ مرداد مردم به ستوه آمده از بی‌آبی در سبزه میدان رشت دست به تظاهرات زدند و اعتراض خشمگینانه خود را از بی‌آبی و قطع برق عرضه کردند. این در حالی است که در همین زمان در کرج شب‌ها از بی‌برقی و تاریکی شعار «مرگ بر دیکتاتوری» فریاد می‌زدند. بحران قطعی برق آن قدر جدی است که رسانه‌های حکومتی هم مجبور شدند گوشه‌ای از خشم مردم را بازتاب دهند زیرا بی‌برقی به جایی رسید که دولت پزشکیان پیایی کشور را

تعطیل می‌کنند. آخرین مورد چهارشنبه ۱۵ مرداد تمام کشور تعطیل شد.

سایت الف - با تیتراژ پرسش انگیزی نوشت «قطعی برق تا چه زمانی ادامه دارد؟»، سخنگوی دولت خانم مهاجری در ۷ مرداد گفت: «شب خاموشی‌ها در سال آینده کم می‌شود». یکی از کارگزاران توانیر ۱۲ مرداد گفت: «در سال آینده قطعی برق را عادلانه می‌کنیم». استخراج بیت کوین یا ماینرها غول پیکر جهت کسب دلارهای رمزی کار می‌کند. طبق برآورد توانیر «حدود ۳۰۰ مگاوات برق غیرمجاز توسط ماینرهای شناخته شده مصرف می‌شود که این حجم برق ۳ نیروگاه بوشهر است. در ۱۴ مرداد فرهیختگان ارگان ولایتی اعتراف کرد «در سال ۹۸ تاکنون بیش از ۲۶۶۶۳ دستگاه ماینر کشف شده که معادل برق ۲۱۶ میلیون خانه است». یعنی برق میلیون‌ها خانواده ایران، هزینه سود مافیای بیت کوین می‌شود که در انحصار سپاه پاسداران است. به قول دادستان دیوان محاسبات، مزارع ماینر آنقدر گسترده است که تنها یک مزرعه آن در تهران به اندازه ۱۳ استان برق را می‌بلعد.

یکی اقتصاددانان حکومتی گفت: «مافیا در حال بلعیدن منابع انرژی کشور است هنوز نمی‌توانیم پشت پرده ماینرهای خصوصی یا دولتی برخی سازمان‌ها و نهادها در توسعه ماینرها نقش داشته‌اند، قطعی مشخص کنیم. این ماینرها برق نه فقط

زندگی مردم بلکه صنعت بی‌رمق کشور هم زمین‌گیر کرده‌اند. قطعی‌های مکرر راندمان کارخانه را کاهش داده، هزینه تولید را بالا برده و قیمت نهایی را افزایش داده است.»

و اما در خصوص بحران آب، رسانه بهارنویز با عبارت «پاشنه آشیل امنیت نظام» در ۳۰ تیر نوشت: «بحران آب نزدیک‌تر از همیشه است زیرا ۵۰ شهر در وضعیت قرمز قرار دارند». روز ۲۹ تیرماه پزشک‌های هشدار داد: «اگر فکری عاجل نکنیم، در آینده با شرایطی مواجه می‌شویم که نمی‌توانیم علاجی برای آب کرد». در ۲۶ تیرماه ۱۴۰۴ شرکت آب و فاضلاب تهران گزارش داد که «پایتخت با بدترین وضعیت منابع آب در صد سال اخیر روبروست». به گفته همین شرکت آب و فاضلاب: «سد امیرکبیر فقط ۳۸ درصد، سد لار تنها ۷ درصد، سد طالقان ۵۳ درصد پر آب است». در ۲۷ تیرماه کارشناسان هشدار دادند که «سد ماملو در شهرپور از مدار خارج می‌شود و پس از آن لار و لتیان و کرج نیز دیگر توان تأمین آب ندارند.»

هم‌میهن در ۲۹ تیر نوشت که «کارشناسان سناریوی آخرالزمانی برای پایتخت پیش‌بینی می‌کنند». وقتی اوضاع معیشتی مردم تا بدین حد به قهقرا رفته است وقتی کارگران و زحمتکشان از تهیه نان شب عاجزند وقتی برق نیست، آب نیست و زندگی مردم از هر سو به

تباهی رفته است وقتی مردم تهران در بی‌آبی می‌سوزند و در خاموشی دست و پا می‌زنند و ۲۳ استان کشور در تداوم قطعی آب با تعطیلاتی درازمدت مدارس و ادارات دولتی مواجه‌اند وقتی فقر و فلاکت تمامی کشور را گرفته است، نتیجه ذاتی این حجم از بحران‌های موجود چیزی جز ایجاد شکاف در بالا و تشدید کشمکش در درون حاکمیت نخواهد بود. وقتی دولت همه امور کشور را بر لبه نائزازی‌ها قرار داده است و شیرازه نظام از هم گسسته است وقتی همه راه‌های برون رفت از بحران‌های موجود به روی حاکمیت بسته است وقتی نهادهای امنیتی رژیم مطلقه فقهاتی نسبت به وقوع جنبش‌های توده‌ای و عصیان عمومی مردم و شکل‌گیری اعتراضات وسیع خیابانی مدام به مسئولان کشور هشدار می‌دهند، پوشیده نیست انعکاس این حجم از بحران‌ها برای دولت و حاکمیتی به گل نشسته منجر به تشدید تضاد و نزاع در بالا خواهد بود و جناح‌های حاکمیت را به رو در رویی هرچه بیشتر با هم خواهد کشانید و تضاد و بحران‌های ناعلاج ریشه‌ای که برپایی یک انقلاب اجتماعی همه جانبه همراه با برانداختن نظام سرمایه‌داری حاکم برای کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، نویسندگان، هنرمندان و دیگر لایه‌های اجتماعی به ارمغان خواهد آورد ●

پایان

«حقیقت دموکراسی»

«حقیقت سوسیالیسم» و

«حقیقت جامعه مدنی»

قانون حقوقی برای مردم نگون‌بخت ایران در آورد.

بیافزاییم که در تحلیل نهایی «فقه دگماتیست حوزه‌های فقه‌ای جز قانون مجازات قرون وسطایی هیچ برنامه‌ای برای مدیریت جامعه (اعم از اقتصاد، محیط زیست، سیاست، درمان فقر و فلاکت و طلاق و فحشا، قتل و خودکشی و غیره) ندارد» به بیان دیگر «فقه دگماتیست حوزه‌های فقهی نشان داده است که جز مجازات‌های کیفری قرون وسطایی راهی برای جامعه‌سازی و مدیریت اجتماعی مردم نگون‌بخت ایران در طول ۴۲ سال گذشته عمر رژیم مطلقه فقه‌ای حاکم بلد نبوده است». لذا در طول ۴۲ سال گذشته رژیم مطلقه فقه‌ای حاکم در راستای نهادینه کردن رویکرد فقه‌ای قرون وسطایی خودشان در جامعه بزرگ ایران پیوسته «دگراندیشان جامعه ایران را به غرب زدگی متهم می‌کرده و با کودتای فرهنگی سال ۵۹ به دنبال نهادینه کردن این رویکرد ارتجاعی در دانشگاه‌های کشور بوده‌اند و همچنین با شعار پیوند حوزه و دانشگاه در طول ۴۲ سال گذشته کوشیده‌اند که هژمونی روحانیت دگماتیست حوزه‌های فقه‌ای را بر دانشگاه‌های کشور تثبیت کنند و علوم انسانی دانشگاه‌های کشور را به چالش بکشند و با

نباید فراموش کنیم که «اساس این فقه بر تبعیض و نابرابری جنسیتی بین زن و مرد، تبعیض و نابرابری مذهبی بین مسلمان و غیر مسلمان و بین شیعه و سنی و بین فقیه و غیر فقیه، تبعیض و نابرابری طبقه‌ای و یا گروهی بین روحانیت و غیر روحانیت و تبعیض و نابرابری بین برده و آزاد و غیره می‌باشد».

بی‌شک بدین ترتیب است که باید بگوییم «فونکسیون و عملکرد فقه و فقه‌ت در جامعه ایران در طول ۴۲ سال گذشته عمر رژیم مطلقه فقه‌ای حاکم نهادینه کردن تبعیض و نابرابری در جامعه ایران (در اشکال مختلف نابرابری و تبعیض جنسیتی، مذهبی، قومیتی، نژادی، سیاسی، اجتماعی و طبقاتی و غیره) بوده است». مجازات‌های کیفری در کادر فقه و فقه‌ت حوزه‌های فقهی و رژیم مطلقه فقه‌ای حاکم و نظریه‌های فقهی خمینی و حواریونش (اعم از حکم قصاص و اعدام و حکم محاربه و تازیانه و شلاق و غیره) آن‌چنان ناعادلانه و خشونت‌زا می‌باشند که خود رژیم مطلقه فقه‌ای حاکم هنوز نتوانسته لایحه قصاص سال ۵۹ خمینی (که حتی در دفاع آن خمینی جبهه ملی ایران را هم تکفیر کرد) پس از چهار دهه در مجلس رژیم مطلقه فقه‌ای حاکم به تصویب برساند و به صورت

هر گونه علوم مدرن حتی علوم پزشکی با شعار طب سنتی هم مخالفت کنند.»

۲۰ - به لحاظ نظری لیبرالیسم دارای چهار پایه مختلف می باشد که عبارتند از:

الف - لیبرالیسم اقتصادی

ب - لیبرالیسم سیاسی

ج - لیبرالیسم اخلاقی

د - لیبرالیسم فلسفی.

اگر خاستگاه تکوین لیبرالیسم از قرن هفدهم تعریف بکنیم بدون تردید لیبرالیسم از آغاز الی الان به صورت یک پروسه (نه به صورت یک پروژه تمام شده) دائماً صورت منعکس کننده جهان بینی و خواست های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بورژوازی و سرمایه داری داشته است، بنابراین در آرایش چهار پایه فوق لیبرالیسم مجبوریم بر پایه لیبرالیسم اقتصادی سه پایه دیگر لیبرالیسم را آرایش بد هیم .

۲۱ - جنبش پیشگامان مستضعفین ایران در طول ۴۵ سال گذشته حرکت درونی و برون ی خود چه در فاز عمودی یا سازمانی آرمان مستضعفین ایران و چه در فاز افقی یا جنبشی نشر مستضعفین ایران پیوسته بر این باور بوده است که:

اولاً انجام هر گونه «تحول ساختاری و همه جانبه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در جامعه بزرگ ایران در گرو حرکت هماهنگ جامعه مدنی جنبشی و پراکسیس سیاسی - اجتماعی تکوین یافته از پایین و مستقل از

حاکمیت و جریان های جامعه سیاسی داخل و خارج از کشور می باشد.»

ثانیاً پیوسته ما بر این باور بوده ایم که «شکاف بین طبقه متوسط شهری ایران با اردوگاه بزرگ کار و زحمت ایران در طول ۸۰ سال گذشته (از شهریور ۲۰ الی الان) به عنوان پاشنه آشیل تمامی حرکت های برابری طلبانه و آزادیخواهانه و جنبش های مطالبه محور سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بوده است» زیرا به غیر از جنبش ملی کردن صنعت نفت و جنبش ضد استبدادی سال ۵۷ در هیچ زمانی این دو جبهه بزرگ طبقه متوسط شهری و اردوگاه بزرگ کار و زحمت در کنار یکدیگر قرار نگرفته اند. همچنین یکی از عوامل ماندگاری رژیم مطلقه فقهی حاکم در طول ۴۲ سال گذشته همین خندق بین طبقه متوسط شهری با اردوگاه بزرگ کار و زحمت ایران می باشد. لهذا تا زمانیکه «این دو جبهه عظیم در کنار یکدیگر قرار نگیرند موفقیت هر گونه تحول ساختاری تکوین یافته از پایین در جامعه بزرگ ایران غیر ممکن می باشد» لازم به ذکر است که به خاطر همین «خندق بین طبقه متوسط شهری با اردوگاه عظیم کار و زحمت ایران بوده است که در طول ۴۲ سال گذشته بین جامعه بزرگ ایران با حاکمیت مطلقه فقهی سه نوع دیالوگ مختلف جدا از هم صورت گرفته است و یا همچنان در حال صورت گرفتن می باشند.»

الف - از ۳۰ خرداد سال ۶۰ تا دوم خرداد سال ۷۶ به مدت ۱۶ سال شکل دیالوگ بین جامعه ایران با حاکمیت مطلقه فقهی تنها به صورت دیالوگ قهرآمیز و خونین و آنتاگونیستی تک

مؤلفه‌ای جامعه سیاسی ایران با حاکمیت بوده است که البته در تحلیل نهایی «این دیالوگ شکست خورده است» هر چند که «بازمانده‌های جامعه سیاسی خارج‌نشین همچنان بر طبل همان رویکرد سرنگون‌طلبانه قدرت سیاسی حاکم از بالا می‌کوبند و از بالای سر مردم ایران به دنبال کسب قدرت سیاسی برای جریان خاص خود (از راست راست تا چپ‌چپ در اشکال مختلف چریک‌گرایی و ارتش خلقی و تحزب‌گرایانه مارکسیستی و لیبرالیستی) می‌باشند، ولی تاکنون راه به دهی نبرده‌اند.»

ب - از دوم خرداد ۷۶ تا دی‌ماه ۹۶ در طول دو دهه «دیالوگ حاکم بین جامعه ایران با حاکمیت مطلقه فقه‌ای حاکم به صورت دیالوگ تک مؤلفه‌ای طبقه متوسط شهری یا اقشار میانی جامعه ایران از کانال گفت‌وگو اصلاح‌طلبان حکومتی بر پایه انتخابات مهندسی شده حزب پادگانی خامنه‌ای در راستای انجام اصلاحات سیاسی از بالا بوده است» که البته از خیزش دی‌ماه ۹۶ با شعار «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا - دیگه تمامه ماجرا» جنبش دانشجویی دانشگاه تهران مردم ایران پایان این پروژه شکست خورده جناح‌های قدرت حاکمیت در عرصه تقسیم باز تقسیم قدرت بین خود شان اعلام کردند.

مع‌الوصف در همین رابطه بود که حزب پادگانی خامنه‌ای هم از فردای خیزش دی‌ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ دریافتند که دیگر «جناح‌های اصلاح‌طلبان حکومتی (در رنگ‌های مختلف سفید، سبز، بنفش و غیره در عرصه پروژه تقسیم باز تقسیم قدرت بین جناح‌های

درونی حکومت) برای مردم نگون‌بخت ایران رنگی ندارد. علی‌هذا به همین دلیل است که حزب پادگانی خامنه‌ای «پروژه پادگانی کردن کل حاکمیت یا به بیان دیگر پروژه یکدست کردن حاکمیت تحت هژمونی سپاه (همراه با حذف جناح اصلاح‌طلبان حکومتی و دیگر جریان‌های رنگارنگ درون حکومتی اعم از سفید، سبز و بنفش حتی راست‌های میانه رو حاکمیت) در دستور خود قرار دادند.»

ج - دیالوگ سوم بین جامعه ایران با حاکمیت مطلقه فقه‌ای دیالوگ جامعه مدنی جنبشی و خیزشی می‌باشد که به صورت فراگیر از تابستان ۹۶ الی الان به صورت دو مؤلفه‌ای:

۱ - جنبشی مطالبه‌محور مدنی و سیاسی و اجتماعی

۲ - خیزشی اتمیزه معیشتی، در حال جریان می‌باشد. ●

ادامه دارد

«سوره شوری» تبیین مبانی

«عدالت‌محور» و «شوری‌محور» اسلام قرآنی

در بستر جنبش رهایی‌بخش پیامبر اسلام

بر پایه «وحی نبوی»

«وَأَمَرْتُ لَأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»، «وَأَمَرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»

فلسفی‌ترین و کلامی‌ترین تبیین از خداوند می‌کند که در هیچ جای قرآن چنین تعریفی از خداوند وجود ندارد و خداوند در اوج خداشناسی بشر تعریف می‌نماید.

باری در فصل سوم سوره شوری که ۴ آیه می‌باشد (از آیه ۱۳ تا آیه ۱۶) در ادامه دو فصل گذشته، جایگاه نهادینه شدن وحی نبوی در جامعه مورد تبیین قرار می‌دهد که وحی نبوی نهادینه شده در جامعه را، قرآن دین تعریف می‌نماید، بنابراین در این رابطه است که در فصل سوم سوره شوری، قرآن نه تنها بین دین و وحی نبوی فرق می‌گذارد حتی بین دین و شریعت هم تفاوت می‌گذارد و در چارچوب تعریف از دین، دین را تنها بر پایه اصول مشترک بین همه وحی‌های

در فصل دوم آیات سوره شوری که ۶ آیه می‌باشد (از آیه ۷ تا آیه ۱۲) در ادامه همان فصل اول، ابتدا موضوع عربی بودن قرآن و محدود بودن محیط انذار حرکت پیامبر اسلام (در فرایند مکی آن) به مکه و اطراف آن و سپس به تبیین ریشه تکوین وحی نبوی و ارسال رسل و پیامبران پرداخته شده است و عامل ارسال پیامبران، در عرصه ظهور تضادهای اجتماعی و طبقاتی پروسه تکوین جامعه بشری ارزیابی می‌کند و به صورت مشخص در فصل دوم اعلام می‌کند که اگر جامعه بشری موقعیت امه واحد بدوی خود را حفظ می‌کرد دیگر نیاز به ارسال رسل و انبیاء و وحی نبوی برای بشر نبود، چراکه با حفظ امه واحد اولیه دیگر جامعه بشری نمی‌توانست رشد بکند و در نتیجه در همان حالت بدوی خود باقی می‌ماند و همین عدم رشد جامعه باعث عدم نیاز به راهبری پیامبران و ارسال انبیاء و استمرار وحی نبوی برای آنها می‌شد البته در فصل دوم آیات سوره شوری در ادامه بحث تشریحی و تبلیغی وحی نبوی (که در فصل اول آیات سوره شوری کرده بود) در این فصل وارد بحث تبیینی وحی نبوی می‌شود و برای تبیین امر وحی نبوی، در چارچوب تبیین توحید و خدا به عنوان عامل اتحاد طبیعت و انسان و جامعه و تاریخ و به عنوان منبع وحی نبوی می‌پردازد و لهذا در راستای تبیین امر توحید بر پایه اصل بنیادین خداوند است که در فصل دوم سوره شوری با بیان اصل «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (مثل خدا هیچ چیزی در جهان نیست)

نبوی انبیاء الهی تعریف می‌نماید و لذا در این رابطه است که قرآن معتقد است که دین از آغاز تا انجام حرکت انبیاء الهی تنها یک دین می‌باشد؛ و ادیان در حرکت انبیاء الهی معنا ندارد؛ اما بر عکس، در حرکت انبیاء الهی ما شرایع یا شریعت‌ها داریم و دلیل این امر هم آن است که شرایع بر پایه احکام فقهی وحی‌های متفاوت نبوی تعریف می‌شود اما ادیان آنچنانکه گفتیم تنها بر پایه وجه مشترک همه وحی‌های نبوی انبیاء الهی از آغاز تا انجام قابل تعریف می‌باشد.

پر واضح است که وجه مشترک وحی‌های نبوی همه انبیاء الهی همان اصول دین می‌باشند که عبارتند از:

الف - توحید،

ب - نبوت،

ج - معاد، که البته آنچنانکه فوقاً اشاره کردیم، این سه اصل دین در انبیاء الهی که بر پایه نهادینه شدن وحی نبوی در جامعه تشکیل می‌دهند از زمانی تکوین پیدا می‌کنند که وحی نبوی از عرصه تجربه دینی پیامبرانه وارد جامعه انسانی برای تغییر انسان و زمان و جامعه و تاریخ بشود، به بیان دیگر تا زمانیکه که وحی نبوی پیامبران الهی در چارچوب تجربه دینی انبیاء الهی محصور باشند و آن وحی نبوی وارد زمان و جامعه و تاریخ نشود هرگز دین به عنوان سنتز جدیدی از وحی نبوی زائیده نمی‌شود و در آن صورت وحی نبوی مانند مذاب آتشین قبل از آتشفشان می‌باشد که مواد فلزی و معدنی درون این مذاب آتشین اصلاً قابل تفکیک و شناسا

نیستند. مع الوصف، از بعد از خارج شدن مواد مذاب از دهان آتشفشان و سرد شدن مواد است که مواد فلزی و معدنی داخل مذاب نهادینه و قابل شناسی می‌شوند.

علی‌ایحال، از اینجا است که باید بگوئیم که دین که همان سه اصل توحید و نبوت و معاد مشترک بین همه ادیان می‌باشد، از نهادینه شدن مواد آتشین خروجی آتشفشان وحی نبوی حاصل می‌شود. بتردید در این رابطه است که باید بگوئیم که تبیین وحی نبوی با تبیین دین و تبیین شرایع در دیسکورس انبیا الهی با هم تفاوت دارند. چرا که در تبیین وحی نبوی آنچنانکه در فصل اول آیات سوره شوری دیدیم تبیین وحی نبوی تنها برپایه تبیین خداوند به عنوان منبع وحی نبوی و خداوند به عنوان عامل اتحاد طبیعت و انسان و جهان و تاریخ قابل انجام می‌باشد اما تبیین دین تنها بر پایه اصول سه گانه توحید و نبوت و معاد قابل انجام می‌باشد و تبیین شرایع در حرکت انبیاء الهی تنها بر پایه تبیین احکام فقهی و اخلاقی انبیاء الهی ممکن می‌باشد.

باری، در این رابطه است که قرآن در سوره شوری در فصل دوم به تبیین وحی نبوی پیامبران الهی در چارچوب تبیین خداوند به عنوان اصل وجود و منبع وحی نبوی پیامبر اسلام می‌پردازد و در فصل سوم و چهارم سوره شوری قرآن به تبیین دین بر پایه تبیین سه اصل توحید و نبوت و معاد می‌پردازد که البته در فصل سوم سوره شوری (در ۴ آیه ۱۳ تا ۱۶) قرآن در تبیین دین بر مبنای نه گانه ایدئولوژیک دین می‌پردازد.

توضیح آنکه دین به لحاظ ساختاری اگر چه بر سه اصل زیربنائی توحید و نبوت و معاد به عنوان وجه مشترک وحی نبوی همه انبیاء الهی استوار می‌باشد و اگر چه سه اصل توحید و نبوت و معاد در ساختار دین به عنوان جهان‌بینی مشترک همه انبیاء الهی قابل تعریف می‌باشد، ولی لازم است که عنایت داشته باشیم که در چارچوب این جهان‌بینی مشترک دین در وحی‌های نبوی پیامبران «ایدئولوژی یا مبانی عملی دین در وحی‌های نبوی پیامبران الهی هم صورت مشترک داشته است» هر چند که به موازات کمال یافتن وحی نبوی در حرکت انبیاء ارکان مشترک زیربنائی اعم از توحید و نبوت و معاد تکامل پیدا کرده است و همراه با آن مبانی مشترک ده گانه ایدئولوژیک دین هم تکامل پیدا کرده است.»

آنچنانکه در آیات چهارگانه فصل سوم سوره شوری مطرح کردیم این مبانی ده گانه مطرح شده در آیه ۱۵ سوره شوری عبارتند از:

۱ - استراتژی بر پایه دعوت.

۲ - مقاومت در عرصه مبارزه اجتماعی حاصل استراتژی دعوت.

۳ - مبارزه با قدرت سه مؤلفه‌ای ظالمانه بالائی‌های قدرت اعم از زر و زور و تزویر در بستر استراتژی دعوت.

۴ - ایمان به وحی نبوی به عنوان راهنمای عمل در بستر استراتژی دعوت.

۵ - تکیه بر هدف برابری و مساوات در جامعه برای همه مردم تحت عنوان برپائی عدالت

توسط استراتژی دعوت.

۶ - تکیه بر شعار «الله» به عنوان تنها عامل همبستگی و تجمیع مردم بر پایه استراتژی دعوت.

۷ - تنها حجت در استراتژی دعوت سه اصل توحید و نبوت و معاد است.

۸ - تنها معیار ارزش‌گذاری و اخلاق، در استراتژی دعوت عمل فردی و عمل جمعی است.

۹ - در بستر استراتژی دعوت هواهای فردی خود را دنبال نکن.

۱۰ - حرکت و شدن در بستر استراتژی دعوت

به سوی الله می‌باشد. ●

ادامه دارد

«فهم و شناخت تطبیقی نهج البلاغه»

برای

«فهم و شناخت تطبیقی قرآن»

۲۸

شرح لغات:

ذل الطريق: در اثر رفت و آمد راه

هموار شد.

إِدْعَالُ: تباه کردن.

اسخف: ناتوان و کوچک کرد.

أَجْحَفَ بهم: ریشه آنها را از بین برد.

افْتَحَمْتُهُ: با حمله و از روی دشمنی داخل آن شد.

آنچه که از عبارات فوق امام علی در بخش اول خطبه ۲۱۶ برای ما قابل فهم است اینکه:

اولاً محور صحبت امام علی در این بخش از خطبه بر پایه «موضوع حق و دو طرفه بودن حق در عرصه عدالت سیاسی و عدالت حکومتی بین مردم و حکومت می باشد». آنچنانکه امام علی در نامه شماره ۵۰ نهج البلاغه (صبحی الصالح - جزء دوم - ص ۴۲۴ - سطر ۱ به بعد) مطرح کرده است این «رابطه سیاسی یا حق و حقوق در چارچوب عدالت سیاسی و حکومتی صورت دو طرفه دارد» و

«أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ لِعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ وَ لِكَتُّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَ جَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةً الثَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَ تَوْسَعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْمَزِيدِ أَهْلُهُ. ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقاً افْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ فَجَعَلَهَا تَنَكُّافاً فِي وُجُوهِهَا وَ يَوْجِبُ بَعْضُهَا بَعْضاً وَ لَا يُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ. وَ أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَاماً لِأَلْفَتِهِمْ وَ عِزّاً لِدِينِهِمْ فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا أَدَّتْ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ آدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِكَ الرِّمَانُ وَ طُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَسَسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ. وَ إِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالِيَهَا أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرَعِيَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ وَ ظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَ كَثُرَ الْإِدْعَالُ فِي الدِّينِ وَ تَرَكَّتْ مَحَاجُّ السُّنَنِ فَعَمِلَ بِالْهَوَى وَ عَطَلَتْ الْأَحْكَامُ وَ كَثُرَتْ عِلَلُ النُّفُوسِ فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عَطَلٍ وَ لَا لِعَظِيمِ بَاطِلٍ فَعِلَ هُنَالِكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارِ وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارِ وَ تَعْظُمُ تَبَعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ. فَعَلَيْكُمْ بِالتَّنَاصُحِ فِي ذَلِكَ وَ حُسْنِ التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ فَلَيْسَ أَحَدٌ وَ إِنِ اسْتَدَّ عَلَى رِضَا اللَّهِ حِرْضُهُ وَ طَالَ فِي الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ بِتَالِغِ حَقِيقَةٍ مَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَهْلُهُ مِنَ الطَّاعَةِ لَهُ وَ لَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ وَ لَيْسَ أَمْرٌ وَ إِنِ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَزِيلَتُهُ وَ تَقَدَّصَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِقُوقٍ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ وَ لَا أَمْرٌ وَ إِنِ صَغُرَتْهُ النُّفُوسُ وَ افْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيْهِ -

أَدْلَال: جمع ذل: مدارا.

البته «شروع این رابطه دو طرفه از حاکم می‌باشد نه از مردم» به این ترتیب که از نظر امام‌علی (در نامه ۵۰ نهج‌البلاغه) «برای ایجاد رابطه دو طرفه بین مردم و حکومت در چارچوب عدالت حکومتی و سیاسی ابتدا حاکم و حکومت باید هیچ رازی به جز اسرار نظامی از مردم پنهان نکنند». همچنین در این رابطه «حاکم و حکومت در اجرای حق و حقوق مردم باید با تمام افراد جامعه فارغ از هر گونه مرزبندی به‌صورت بالسویه عمل نمایند» و باز در همین رابطه حاکم و حکومت باید «هیچ‌کاری بدون مشورت مردم انجام ندهند»؛ و باز «حاکم و حکومت در اجرای هرگونه حق و حقوق مردم نباید کوتاهی بکنند و تا پایان آن باید بایستند». تنها با این شروط است که (آنچنانکه امام‌علی در نامه ۵۰ نهج‌البلاغه مطرح می‌نماید) امکان ایجاد و تکوین رابطه دو طرفه بین حاکم و حکومت به وجود می‌آید و حاکم و حکومت می‌توانند انتظار داشته‌باشند که مردم از حکومت حمایت نمایند. پر واضح است که از نگاه امام‌علی «با حذف این شروط و انجام آن توسط حاکم و حکومت دیگر در جامعه امکان تکوین عدالت سیاسی و یا عدالت حقوقی وجود ندارد».

ثانیاً در عبارات فوق خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه امام‌علی به طرح یک موضوع مهم دیگر در ادامه طرح موضوع حق و حقوق دو طرفه در چارچوب عدالت سیاسی و عدالت حکومتی (که در نامه ۵۰ نهج‌البلاغه مطرح کرده بود) می‌پردازد و آن اینکه «از نظر او بدون تحقق عدالت سیاسی و یا عدالت حکومتی بر پایه حق و حقوق دو طرفه بین مردم و حکومت امکان دستیابی به عدالت اجتماعی و تحول جامعه وجود ندارد». لذا در همین رابطه است که امام‌علی در پاراگراف سوم بخش اول خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «...فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا آدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَلَايَةِ حَقَّهُ وَآدَّى الْوَلَايَةُ إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَجَرَتْ عَلَى

أَذْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَطُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَبَيَسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ. وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَإِلَيْهَا أَوْ أَجَحَفَ الْوَلَايَةُ بِرِعَايَتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ وَظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَكَثُرَ الْإِذْغَالُ فِي الدِّينِ وَتُرِكَتْ مَحَاجُّ السُّنَنِ فَعَمِلَ بِالْهَوَى - هرگز امور مردم جامعه بدون صلاحیت حکام اصلاح نمی‌شود آنچنانکه امور حکام و حکومت بدون اصلاح جامعه و مردم غیر ممکن می‌باشد پس زمانی حق و حقوق دو طرفه در چارچوب عدالت حکومتی و سیاسی در جامعه امکان‌پذیر می‌شود که زمامداران حق و حقوق مردم را ادا نمایند و مردم جامعه حق حکومت را ادا کنند، لهذا از این مرحله است که حق در میان حاکم و مردم عزیز شمرده می‌شود و نشانه‌های عدالت بر پا می‌گردد و سنت‌های جامعه در مجرای حقیقی خود به جریان می‌افتند و زمان اصلاح می‌شود و حاکمیت و حکومت می‌تواند به‌صورت اصولی به حیات خود ادامه بدهد و از دشمنان خارجی جهت تسلط بر آن جامعه به یأس کشیده می‌شود و جامعه و مردم از درون به وحدت می‌رسند اما برعکس اگر این عدالت سیاسی و حکومتی توسط حق و حقوق دو طرفه بین حکومت و مردم مادیت پیدا نکند استبداد و ستم بر جامعه حاکم می‌شود و جامعه از درون دچار تفرقه و تشتت می‌گردد و فریب‌کاری در دین فراوان می‌شود و دیگر عمل و امور بر پایه هواهای قدرت‌طلبانه و ثروت‌طلبانه و هواهای نفسانی انجام می‌گیرد» (نهج‌البلاغه صبحی الصالح - خطبه ۲۱۶ - ص ۳۳۳ - سطر ۱۳ به بعد).

ثالثاً در پاراگراف اول خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه «امام‌علی تعریفی از جایگاه حق و حقوق و عدالت حقوقی می‌کند که در تمام نهج‌البلاغه و کلام امام‌علی چنین تعریفی از حق و حقوق انسان‌ها بی‌بدیل می‌باشد». او می‌فرماید: «...فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ...» - حق گسترده‌ترین اشیا در حرف و توصیف است و تنگ‌ترین اشیا در موقع اجرا و عمل است. هیچ‌کس

را بر دیگری حقی نیست مگر اینکه آن دیگری را نیز بر او حقی می‌باشد» امام علی در این تعریف از حق می‌خواهد بگوید که «وقتی که ما در صدد تعریف حق و حقوق بر می‌آییم و به توصیف زبانی از حق و حقوق می‌پردازیم زمینه آن بسیار گسترده است، چون بر زبان راندن امری ساده است؛ اما عمل کردن به حق و حقوق و زیر بار عدالت رفتن امری بسیار سخت و مشکل می‌باشد». عنایت داشته باشیم که در عبارت فوق «امام علی از باب استعاره برای کلمه حق صفت سعه و ضیق را که از لوازم جا و مکان محسوس است به کار می‌برد تا با آن بگوید حق به اعتبار اینکه در حرف دامنه توصیف آن زیاد و عمل کردن به آن دشوار است مانند مکانی است که برای بعضی امور وسیع و پهن‌آور است ولی گنجایش امور دیگری را ندارد». بر این مطلب بیافزاییم که امام علی در خطبه ۱۵ نهج‌البلاغه در توصیف عدل و عدالت می‌فرماید: «... فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ - گشایش جامعه در اجرای عدالت است و جامعه و مردمی که اجرای عدالت برای آنها تنگی ایجاد نماید ظلم و ستم برای آنها تنگ‌تر خواهد بود». اگر این کلام امام علی را با کلام فوق او درباره حق و حقوق در سرآغاز خطبه ۲۱۶ و عبارت امام علی در حکمت ۴۳۷ نهج‌البلاغه که می‌فرماید: «... الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ... - عدالت اصلی عامی است که شامل همه اجتماع می‌شود» در کنار هم بگذاریم و با هم مقایسه کنیم می‌توانیم داوری کنیم که «امام علی در کادر عدالت به عنوان یک اصل عام است که حق و حقوق را تعریف می‌نماید»؛ به عبارت دیگر در رویکرد امام علی «حق و حقوق انسان‌ها در عرصه‌های مختلف تنها در چارچوب عدالت در مؤلفه‌های مختلف آن قابل تقسیم می‌باشد نه برعکس»، شاید بهتر باشد که بگوییم «امام علی حق را با عدالت تعریف می‌نماید نه عدالت را با حق».

علی‌هذا در همین رابطه است که آنچنانکه طه حسین در جلد اول کتاب الفتنه الکبری مطرح می‌کند، در جریان جنگ جمل وقتی که یکی از سپاهیان امام علی دچار تردید می‌شود که چطور می‌شود که شخصیت‌هایی مثل طلحه و زبیر بر خطا باشند؟ موضوع را به عنوان یک سؤال با امام علی در میان می‌گذارد و امام علی در پاسخ به او می‌گوید: «إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يَعْرِفَانِ بِأَقْدَارِ الرِّجَالِ، اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ، وَاعْرِفِ الْبَاطِلَ تَعْرِفِ أَهْلَهُ - حق و باطل با شخصیت‌ها قابل شناخت نیست، برعکس شخصیت‌ها با حق و باطل قابل شناخت می‌باشند پس اول باید حق و باطل را شناخت و بعد از آن است که می‌توان در باب شخصیت‌ها داوری کرد». طبیعی است که «برای شناخت حق و باطل ما راهی نداریم جز اینکه این دو را در ترازوی عدل و ظلم فهم کنیم یعنی حق را در ترازوی عدل و باطل را در ترازوی ظلم فهم نمائیم».

۷ - در خصوص رویکرد امام علی نسبت به رابطه بین عدالت اقتصادی و عدالت سیاسی یا حکومتی در نهج‌البلاغه امام علی (در سه جزء خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار نهج‌البلاغه) در صورت‌های مختلفی برخورد کرده است، به این ترتیب که در بعضی از خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی تحقق عدالت اقتصادی در گرو تحقق عدالت سیاسی می‌داند و در جاهایی هم برعکس تحقق عدالت سیاسی در گرو تحقق عدالت اقتصادی می‌داند. البته از نظر امام علی «تحقق عدالت اقتصادی با شیوه استبداد و اقتدار

● قدرت سیاسی غیر ممکن می‌باشد».

پایان